



Social Networks and the Future of Political Participation

Ravanbakhsh Mohammadi Poshtehani

Ph.D Student in Political Studies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran.
Iran, ravanbakhshmohammadi@yahoo.com

Asgar Partuvi

Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Iran,
asgpar@yahoo.com

Ablulgaem Taheri

Assistant Professor of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran, taheri@yahoo.com

Abstract

Purpose: If the rulers have a positive view of the activities of social networks, the activities of these networks will expand and increase people's participation in political affairs and elections. If the managers of the community have a negative view of the activities of these networks, they will have political participation in the future by preventing the activities and expansion of these networks

Method: The present research is of analytical-descriptive type with a futuristic approach that has been used by Peter Schwartz's screenwriting method.

Findings: After examining the influential factors and drivers in the future of social networks and political participation, the main uncertainty - as determining factors and with low uncertainty - in future social networks and political participation has been identified, which is: 1-Opinions and views of rulers on the use of social networks. 2-The approach and attitude of the rulers towards political participation. Now, considering the above two uncertainties, five scenarios are possible 1- Positive view of rulers on social media activities and participation Political 2- The positive view of the rulers on social networks and opposition to political participation, 3- The negative view of the rulers on social networks and participation with political participation 4- The negative view of the rulers on social activities and political participation 5- The rulers' view on participation and social political networks as an opportunity and a threat.

Conclusion: If the managers and those involved in running the country have a positive view on the activities of social networks, the activities of these networks will expand and increase people's participation in political affairs and elections. If the negative view of the activities of these networks is dominated by community leaders, we will see a decline in political participation in the future by preventing the activities and expansion of these networks.

Keywords: Social Networks, Political Participation, Futures Studies.

Cite this article: Mohammadi Poshtehani, Partuvi, Taheri (2022) Social Networks and the Future of Political Participation, Semiannual Journal of Iran Futures Studies, Research Article, Vol.7, NO.1, Spring & Summer 2022, 135-157

DOI: 10.30479/jfs.2022.16145.1326

Received on 30 August, 2021 **Accepted on** 1 May, 2022

Copyright© 2022, The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University 

Corresponding Author: Asgar Partuvi

E-mail: asgpar@yahoo.com

شبکه‌های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی

روانبخش محمدی پشتهانی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ravanbakhshmohammadi@yahoo.com

اصغر پرتوی -

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، asgpar@yahoo.com

ابوالقاسم طاهری

استادمدعو گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، taheri@yahoo.com

چکیده

هدف: ظهور فن‌آوری‌های ارتباطی نوین در سراسر جهان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بوده است. با به‌وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی و توسعه آن در زندگی بشر، این شبکه‌ها در افزایش مشارکت سیاسی نیز بسیار اثرگذار عمل کرده‌اند. هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی این مسأله است که با گسترش شبکه‌های اجتماعی، چه سناریوهایی برای آینده مشارکت سیاسی متصور است؟

روش: تحقیق حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی با رویکرد آینده‌پژوهی، با استفاده از روش سناریوپردازی و ترسیم آینده‌های محتمل است.

یافته: پس از بررسی عوامل و پیشران‌های تأثیرگذار در آینده شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی، دو عدم قطعیت اصلی - به‌مثابه عوامل تعیین‌کننده و با قطعیت کم - در خصوص آینده شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی شناسایی شده است که عبارت است از: ۱- رویکرد حاکمان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی ۲- رویکرد و نگرش حاکمان نسبت به مشارکت سیاسی. با توجه به دو عدم قطعیت فوق، پنج سناریو متصور است. ۱- نگاه مثبت حاکمان به فعالیت شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی ۲- نگاه مثبت حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مخالفت با مشارکت سیاسی ۳- نگاه منفی حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و موافقت با مشارکت سیاسی ۴- نگاه منفی حاکمان به فعالیت شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی ۵- نگاه حاکمان به مشارکت سیاسی و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فرصت و تهدید.

نتیجه‌گیری: در صورتی که حاکمان نگاه مثبتی به فعالیت شبکه‌های اجتماعی داشته باشند، فعالیت این شبکه‌ها گسترش یافته و باعث افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی و انتخابات خواهد شد. در صورتی که نگاه منفی نسبت به فعالیت این شبکه‌ها از سوی مدیران جامعه حاکم گردد، با جلوگیری از فعالیت و گسترش این شبکه‌ها شاهد افول مشارکت سیاسی در آینده خواهیم بود.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی، آینده‌پژوهی.

استناد: محمدی پشتهانی، پرتوی و طاهری (۱۴۰۱). شبکه‌های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی، مقاله پژوهشی، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۱۳۵-۱۵۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۳/۲۲
ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱- مقدمه

بشر، در زمانی به حیات خود ادامه می‌دهد که اطلاعات و ارتباطات دیجیتال در حال گسترش است و با گسترش ارتباطات دیجیتال، موضوع مشارکت سیاسی نیز در حال تغییر است. با توسعه هریک از شبکه‌های اجتماعی با خصوصیات مربوط به خود مانند تعاملی بودن که برای این شبکه‌ها بکار گرفته می‌شود، امکان ایجاد رابطه دو یا چند سویه و بازخوردی را فراهم می‌کند. چنین امکانی با گسترش دسترسی به اینترنت در جهان فراهم شده است. اصلی‌ترین ویژگی که شبکه‌های اجتماعی را از سایر دستگاه‌های ارتباطی متمایز ساخته است، قابلیت تبادل سریع و هم‌زمان اطلاعات است. دومین ویژگی، مقدار داده‌هایی است که در عامل زمان فرستاده می‌شود. عامل سوم، نبود کنترل تأثیرگذار بر شبکه‌های اجتماعی از بُعد تکنیکی و حقوقی است.

مشارکت سیاسی در عصر حاضر، نماد توسعه سیاسی در میان ملت‌ها به حساب می‌آید و تلاش برای رسیدن به آن، به جریانی اجتماعی و فراگیر در جوامع تبدیل شده است. این عامل در کشورهای توسعه نیافته، به صورتی ویژه‌تر خود را نمایان می‌سازد. حکومت‌ها هم ناچارند، در جهت بدست آوردن مشروعیت، به سوی تلاش برای شرکت دادن شهروندان در مسائل سیاسی روی آورند؛ به گونه‌ای که توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی^۱ یا عدم توسعه‌یافتگی آن، به افزایش مقدار مشارکت سیاسی در یک جامعه نسبت داده می‌شود.

رسانه‌های ارتباط جمعی،^۲ با تأثیرگذاری بر افکار عمومی در جهت دستیابی به اهداف خود، توان بالایی برای تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی پیدا کرده‌اند؛ به خصوص در زمان حاضر که رسانه‌ها از جهت کمیت و کیفیت، به صورت‌های متفاوتی در حال ظهور هستند و طیف وسیعی از فضای جامعه را به احاطه خود درآورده‌اند و هر رسانه در ابعاد مختلف، طرفداران خاصی را به سوی خود جلب کرده است.

در این میان شبکه‌های اجتماعی مجازی از قدرت نفوذ بالایی برخوردارند و تمامی جهات زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی به جهت عمومیت یافتن در بین فعالان و پهنای گسترده جغرافیایی در میان مرزهای داخلی، به عاملی کم‌نظیر در زمینه ارتباطات مبدل شده‌اند و ترتیبات تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و ارکان قدرت را در کشورها ایجاد کرده‌اند.

از این رو، بررسی رابطه و نسبت شبکه‌های اجتماعی نوظهور با میزان مشارکت سیاسی در آینده جوامع، اهمیت یافته است. در این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش سناریوپردازی، تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که آینده مشارکت سیاسی تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی چگونه خواهد بود و تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی، چه سناریوهایی

1. political culture

2. Mass communication media

برای مشارکت سیاسی قابل ترسیم است؟ درحقیقت، شبکه‌های اجتماعی با جای دادن گستره وسیعی از عوامل تأثیرگذار در بُعد سیاسی - اجتماعی در محیط مجازی، از یک طرف وسیله‌ای برای ترویج و انتشار سمبل‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اعتقادات فعالین اجتماعی^۱ مختلف هستند و از طرف دیگر، عاملی ویژه در عرصه اطلاعات اجتماعی - سیاسی در دنیا و ایجاد همبستگی میان بازیگران سیاسی با مردم در زمان حال و آینده محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، اصلی‌ترین جلوه و علامت قدرت در بُعد نمادین، عاملی هویت‌ساز^۲ و عنصری تبلیغاتی در عصر جدید و آینده خواهند بود و تحولات رخ داده در زمان حال و آینده سیاسی تا مقدار زیادی به این رسانه‌های فراگیر و جهانی مربوط می‌شود و مطمئناً به آن وابسته خواهد بود. بر همین مبنا، شبکه‌های اجتماعی در آینده مشارکت سیاسی ایفای نقش خواهند کرد و در هریک از جوامع، بسته به رویکردی که نسبت به استفاده از شبکه‌های مجازی و جهت‌گیری که نسبت به مشارکت سیاسی دارند، سناریوی متفاوتی محتمل و قابل تصور است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱. شبکه‌های اجتماعی

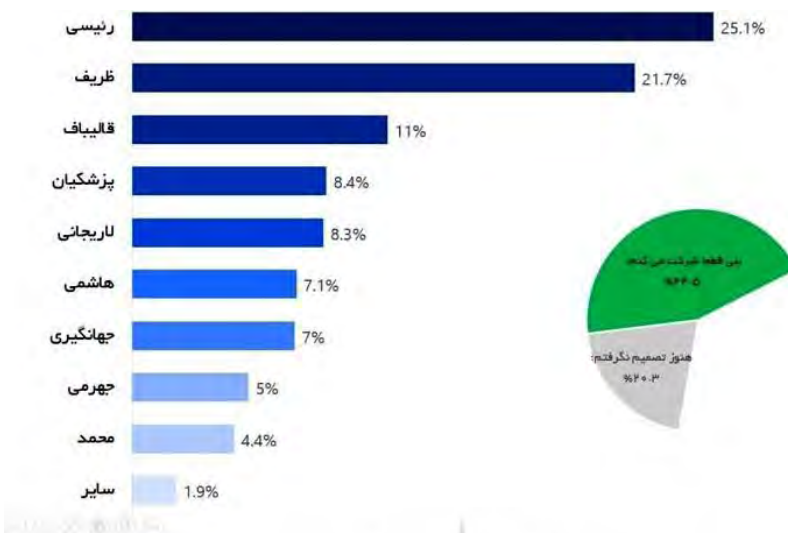
با افزایش محیط ارتباط از راه دور به کمک اینترنت، یک نوع از حوزه عمومی در محیط مجازی شکل گرفته است. شبکه‌های اجتماعی مجازی، یک عامل کلیدی در جهت شکل‌گیری اشتراکات سیاسی بین انسان‌های مختلف است. از این رو، قدرت بسیج اجتماعی گسترده‌ای دارند. در صورت نبود این عامل، امکان ایجاد بسیج اجتماعی در جهت رسیدن به اهداف محدود می‌گردد. قدرت این فضا، برای تأثیرگذاری بر کنشگران نوین و عملکرد فعالین سیاسی، حول محور «نظریه بسیج» مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تبیین این موضوع، به ۴ علت اشاره می‌شود که عبارتند:

علت اول؛ این که فضای مجازی حالات مختلفی را برای دادن رأی برخط، تبادل نظر و ... نسبت به افزودن اطلاعات و دانش سیاسی مهیا کرده و خواهد کرد. (Ward & Vedel, 2006:215)

1.Social actors
2.Identity making

شبکه‌های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی/۱۳۹

(نمونه نمودار نظرسنجی مردم در انتخابات ۱۴۰۰) (اقتصاد نیوز - ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۰)



دوم اینکه شبکه‌های اجتماعی، هزینه‌های به دست آوردن دانش و آگاهی و مشارکت را به طور محسوسی کم می‌کنند.



(نمودار تأثیر فضای مجازی بر آینده کشورها) (خبرگزاری برنا - ۱۳۹۷/۰۳/۳۰)

سوم؛ این که فضای مجازی مانند اینترنت، سرعت بالاتری دارد و در مقابل، سایر رسانه‌ها به‌روزتر می‌باشد و به این دلیل، به‌صورت آنی اطلاعات ویژه و مورد نیاز را به افراد انتقال می‌دهد و باعث ترغیب افراد به مشارکت در زندگی از بعد سیاسی - اجتماعی می‌شود.



(اینفوگرافیک | نمودار معنادار روند استفاده مردم ایران از رسانه‌های اجتماعی - خبرگزاری آنلاین ۶ مرداد ۱۴۰۰)

چهارم این که شبکه‌های اجتماعی توان آن را دارا هستند که قدرت دموکراسی را افزایش دهند و ارتباط میان شهروندان و سیاستمداران را آسان نمایند (ابراهیمی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴).

آلین تافلر^۱ در کتاب «موج سوم» معتقد است: «طول تاریخ زندگی در جامعه انسانی تا به امروز، دو دوره کشاورزی و صنعتی را گذرانده است و در حال حاضر نیز در دوره فرا صنعتی یا عصر اطلاعات هستیم که بر اساس رایانه پیش می‌رود. وی معتقد است که موج سوم، جهان را با تغییر و تحول‌های زیادی در تمام حوزه‌های مختلفی که در روی کره زمین وجود دارد، روبرو خواهد کرد» (تافلر، ۱۳۸۵: ۶۶۶).

به‌همین جهت، فضای سیاست نیز عرصه‌ایست که از تحولات موج سوم مصون نمی‌ماند. موج سوم، صورت نوینی از ارتباطات، در بعد سیاسی را دنبال می‌کند که جوهره و خواسته‌های آن با نوع ارتباط از بعد سیاسی در گذشته به‌طور کامل متفاوت خواهد بود و کنشگران جدیدی بر این کره خاکی تسلط خواهند داشت. از منظر تافلر، این امکان وجود ندارد که در یک زمان قبل از آن که انقلاب سیاسی انجام نشده است، با انقلاب در حوزه ارتباطات مواجه شویم (همان: ۶۰۷).

1. Alvin Taffler

درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی، بست و کروگر^۱ استدلال می‌کنند که ارتباطات برخط، اولاً اطمینان عمومیت یافته را در بین مصرف کنندگان افزایش می‌دهد. دوم؛ این شبکه‌های مجازی با بهبود منابع سیاسی، افراد را به مشارکت سیاسی ترغیب می‌کنند. جوانان به شبکه‌های اجتماعی جدید به صورت مهم‌ترین منابع اطلاعات سیاسی می‌نگرند. در نتیجه اگر اینترنت، دانش سیاسی را نیز همانند مشارکت سیاسی بتواند افزایش دهد، نقشی مهمی در ترغیب جوانان به فعالیت‌های سیاسی می‌تواند داشته باشد (Luskin, 1990: 331).

برخی دیگر از پژوهشگران، بجای این که بر ارتباط رودررو در مقدار استفاده از این شبکه‌ها و نسبت آن با عملکرد و شرکت جامعه در بُعد سیاسی پیردازند، طرحی را معرفی می‌کنند که به کمک آن، این شبکه‌ها به صورت غیرمستقیم به بالا رفتن شناخت سیاسی، تبادلات سیاسی، اعتماد سیاسی و قابلیت و اثرات سیاسی در بین افراد یک جامعه کمک می‌کنند. این پژوهشگران تحلیل می‌کنند که شبکه‌های مجازی، به مخاطب خود کمک می‌کنند تا عقایدشان را نسبت به گروه‌های مختلف سازمان دهند. در ادامه بیان می‌دارند که شبکه‌های اجتماعی، با افزایش تبادل نظرات سیاسی در میان شهروندان، سبب تقویت رفتار مدنی نیز می‌شوند (همان: ۳۳۸).

اما در این میان، تئوری پاتنام^۲ در مورد شبکه‌های اجتماعی، به خوبی در تحلیل روابط آن با مشارکت سیاسی نمایان است. وی با سه ایده، سرمایه اجتماعی را عامل مهم نسبت به یک سازمان معرفی می‌کند که ایده اول آن همین شبکه است. از نگاه پاتنام شبکه‌ها در ابعاد مختلف خود و در هر جامعه با افکار و عقاید سیاسی - اجتماعی - فرهنگی مختلف وجود دارد. به همین دلیل پاتنام، این شبکه‌ها را یکی از عوامل اصلی و ضرورت یافته در بُعد سرمایه اجتماعی دانسته است. این نکته را نیز یادآور می‌شود که هرچه این شبکه‌ها در بین یک جامعه چکیده‌تر و در میان شهروندان بیشتر توسعه یابد، منافع متقابل در آن جامعه بیشتر محقق خواهد شد (اشتریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۲۷).

تقسیمات پاتنام نسبت به شبکه‌های اجتماعی به صورت‌های زیر بیان می‌گردد:

- افقی بودن این شبکه‌ها، حس مساوی بودن در چارچوب مشارکت مدنی را به وجود می‌آورد.

- شبکه‌های عمودی یا یک‌طرفه که قدرت ایجاد ارتباط چندسویه را ندارد (Putnam, 2000: 313).

افقی بودن از منظر پاتنام، سبب افزایش توان کمک میان یک گروه می‌شود؛ اما وی در بُعد دوم، به عدم توان ایجاد ارتباط، اعتماد و همکاری در بُعد اجتماعی اعتقاد دارد؛ زیرا مسیر اطلاعات در شبکه عمودی نسبت به شبکه افقی، روشن و مشخص نیست. رفتارهای تعاملانه

1. Best & Krueger

2. Putnam theory

متقابل و تنبیهات ناشی از آن که ایجاد فرصت را از بین می‌برد، در شبکه‌های عمودی برای افراد بالامرتبه در جامعه کمتر تعیین شده است و بنابراین اجراییات نیز کمتر است (همان: ۸۲۷). به نظر می‌رسد، برخی از رسانه‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی را در مورد مشارکت سیاسی شهروندان پدید آورده‌اند. در این میان، نقش رسانه‌های آنلاین و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، برجستگی خاصی دارد. این شبکه‌ها با سوق دادن افکار عامه و تحریک، کنترل و راهنمایی آن، تأثیر اساسی بر قدرت سیاسی دارد. به عقیده مانوئل کاستلز^۱، همه سیاست‌های نوین در قالب رسانه‌های الکترونیک جریان خواهند داشت. این پیوستگی محیط زندگی و شبکه‌های اجتماعی نوین، به‌حدی سرآمد خواهد شد که قسمت‌های مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار داده و سیاست را به‌صورت قسمت مهمی از این زندگی با تحول روبرو خواهد کرد. درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی در آینده مشارکت سیاسی، اندیشمندانی از قبیل نوریس^۲ و دیگران تأکید می‌کنند که فضای مجازی به‌دلیل ویژگی‌هایی؛ از قبیل تعاملی بودن، داشتن ارتباط هم‌زمان، عدم مرکزیت نظارت، عدم تملک بر شبکه و گریز از سانسور، محیط خوبی را در جهت تقویت مسائل کمرنگ شده دموکراسی در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه فراهم ساخته است و موجب افزایش مشارکت سیاسی می‌گردد.

آنچه از نظرات مطرح شده بدست می‌آید؛ تأکید بر روند گسترش شبکه‌های اجتماعی در آینده و تأثیر آن‌ها بر جلب و هدایت افکار عمومی است. در این مقاله نیز با توجه به این مهم تلاش می‌شود با رویکرد آینده‌پژوهانه، احتمالات پیشروی مشارکت سیاسی تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی معرفی شود. از این رو، توسعه روزافزون شبکه‌های اجتماعی و اثرگذاری آن‌ها بر روند مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف بویژه امور سیاسی و مشارکت در انتخابات بررسی می‌گردد.

۳. ارتباط فضای مجازی و مشارکت سیاسی

با گسترش اینترنت و ارتباطات دوربرد رایانه‌ای و گسترش آن، نوعی حوزه عمومی مجازی در فضای سایبرنتیک شکل گرفته است. اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی، در فضای مجازی و سایبرنتیک خود از یکسو، ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماع، فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران اجتماعی گوناگون است و از سوی دیگر، منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها در جهان به‌شمار می‌رود (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

امروزه ظهور شبکه‌های اجتماعی و تلقی شکل‌گیری نوع تازه‌ای از سرمایه اجتماعی در این شبکه‌ها، اهمیت مطالعه در این زمینه را برای جامعه‌شناسان دوچندان کرده است. رشد شبکه‌های

1. Manuel Castells
2. Norris

اجتماعی مجازی، اندیشمندان حوزه جامعه را از بازبینی انجمن‌های اجتماعی به بازبینی پیوستگی میان بازیگران گسیل می‌دهد (ریتزر و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

پژوهش در این زمینه نشان داده است، اینترنت بر محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی و قانونی غلبه می‌کند. در نتیجه، تبادل اطلاعات، شیوه‌های ارتباطات و منابع کنش بهبود می‌یابد و بسیج شهروندی و مشارکت دموکراتیک تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۹۸: ۹).

در این راستا، همپتون^۱ استدلال کرده است: «تنوع شبکه فراگیر، مهم‌تر و مناسب‌تر از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند» (Hampton, 2011: 510).

به نظر می‌رسد، هرچه فرصت دسترسی و مهارت‌های اینترنتی و زبانی کاربران بیشتر باشد، در مقایسه با کاربران دیگر، تأثیر بیشتری از اینترنت می‌پذیرند. همچنین جوان بودن کاربر و تحصیلات بالا، بر افزایش میزان استفاده از این فناوری، افزایش علاقه‌مندی سیاسی، تجربه فعالیت سیاسی پیشین و سهولت دسترسی به اینترنت، می‌تواند میزان تأثیرپذیری کاربران از اینترنت را بالا ببرد و تفاوت سطوح این تأثیرپذیری را نیز توضیح دهد (سردار نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

در کل، افراد و گروه‌های آنلاین می‌توانند در برابر برنامه کار عمومی با استفاده از اینترنت اعتراض کنند و ترکیب این حوزه‌ها وقتی رخ می‌دهد که یک هم‌پوشی بین چیزی که عمومی در نظر گرفته شده است و چیزی که خصوصی است، وجود داشته باشد؛ همان‌گون پاتنام معتقد است که شبکه‌های افقی انبوه، تقویت همکاری درون‌گروهی را سبب می‌شوند. آن‌ها با دور زدن شکاف‌های طبقاتی، همکاری گسترده‌تری را پدید می‌آورند. از ابعاد فرعی شبکه‌های اجتماعی، می‌توان به مواردی همچون شبکه‌های افقی، شبکه‌های عمودی و کیفیات شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد.

در ارتباط با موضوع بخش حاضر (فضای مجازی و مشارکت)، تحلیل این مطلب ضروری است که فضای مجازی یک منبع مهم مشارکت سیاسی در میان افرادی است که در حالت عادی نمی‌توانستند به عرصه‌های سیاسی دسترسی داشته باشند. توان اینترنت برای جذب افراد جدید در فعالیت‌های سیاسی همان‌گونه که در قسمت چارچوب نظری نیز یاد شد، در حیطه «تئوری بسیج» بررسی می‌شود. فضای مجازی، فرصت‌های زیادی را از طریق رأی‌دهی آنلاین، گفتگو، شبکه‌های اجتماعی مجازی و غیره برای آگاهی و فعالیت سیاسی فراهم می‌کند. این رسانه جدید، هزینه‌های کسب اطلاعات و مشارکت را کاهش می‌دهد. درنهایت این که افرادی که به فضای مجازی دسترسی دارند، با هزینه کمی می‌توانند به اخبار سیاسی دسترسی داشته باشند؛ در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که این افراد در حوزه‌های سیاسی مشارکت نمایند.

1. Hampton

همچنین بایستی یادآور شد که دغدغه اصلی نگارنده، آینده‌پژوهی مشارکت سیاسی و ارتباط آن با شبکه‌های اجتماعی است. دلیل عنوان این مبحث، بررسی تأثیر فضای مجازی بر مشارکت سیاسی است که تأثیر عمده‌ای بر توسعه سیاسی جوامع دارد. توسعه سیاسی همواره به منزله آمال مطلوب جوامع مختلف در جهان مطرح بوده است و بدون تردید، تصور توسعه سیاسی بدون مشارکت، آن هم از نوع سیاسی تقریباً ناممکن است.

۴. تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر عرصه سیاسی

پس از ارائه مبانی نظری و بیان نظرات درباره تأثیرات شبکه‌های اجتماعی، در این بخش سعی بر این است که نشان دهیم؛ فضای مشارکت و شبکه‌های اجتماعی تا چه اندازه‌ای با یکدیگر ارتباط دارند و همان‌طور که قبلاً نیز گفته شده است، اثرات مثبت و منفی آن در جامعه تا چه اندازه است. به همین دلیل، در این بخش ذیل سه عنوان تضعیف اقتدار دولت‌های ملی، کمک به معرفی احزاب در جهت آگاهی و شناخت بیشتر و ایجاد مشارکت یا عدم مشارکت میان شهروندان، این موضوع را بررسی خواهیم نمود.

۴-۱. تضعیف اقتدار دولت‌های ملی

هم‌اکنون در حال سپری کردن دورانی هستیم که در کنار رشد روزافزون تکنولوژی مختلف، مسیرهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به شدت مورد آسیب هستند و حکومت‌های ملی قادر نخواهند بود که به صورت فردی به تشریح عواملی مانند مستقل بودن حکومت در امور مختلف اتکا کنند و با این توجیه، با چالش‌های سیاسی از قسمت کنش‌گران بین‌المللی مواجه نشوند. در حال حاضر، حکومت‌ها به دو صورت تحت فشار هستند. از یک طرف، فشارهای از پایین به بالای کنشگران سیاسی و جوامع مدنی در بعد داخل و از طرف دیگر، وارد شدن فشار از بالا به پایین کنش‌گران و کارگزاران، جهانی شدن رسانه‌های نوین، فعالان سیاسی و سازمان‌های غیردولتی ... (سردارنیا، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

در همین زمینه، بررسی‌ها نشان از آن دارد که این شبکه‌ها از گذرگاه‌هایی؛ چون تضعیف کردن حکومت نزد شهروندان، تضعیف کردن افکار شهروندان به بنیادهای سیاسی در یک جامعه، استحکام هویت‌های بین‌المللی، رواج دادن حس عدم اعتماد نسبت به نظام سیاسی، افول انگیزه شهروندان برای شرکت در توسعه سیاسی و ... در افکار و رفتار مردم اثرگذار هستند و سبب تقلیل حس یکدلی، حس وابستگی ملی و انسجام اجتماعی شده و از این راه، قالب‌های سیاسی یک حکومت را تضعیف کرده و سبب نابودی آن می‌شوند.

۴-۲. کمک به معرفی احزاب در جهت آگاهی و شناخت بیشتر

عوامل مهمی که توسط شبکه‌های اجتماعی جدید به بحث رساندن اطلاعات سیاسی به شهروندان کمک می‌کند، در مباحث مختلف قابل جستجو است؛ اما بحث حزب یکی از مهم‌ترین

این عوامل می‌باشد. احزاب سیاسی^۱، به کمک این شبکه‌ها، نظرات، افکار و سابقه فعالیت سیاسی خود را نمایان ساخته و به اطلاع می‌رسانند. اکثر حزب‌ها در دنیا «وب‌سایت حزبی»^۲ دارند. آن‌ها از مردم‌سالاری دیجیتال، نسبت به منتقل کردن افکار خود، مجذوب کردن افراد نوین، جمع کردن نیازها و تقویت ارتباط میان احزاب استفاده می‌کنند. این حزب‌ها، با کمک ایمیل‌های اینترنتی با افراد مختلف ارتباط برقرار می‌کنند (نیکسون، ۱۹۹۹: ۱۴۱).

شهروندان، به کمک شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند داده‌هایی در خصوص ایدئولوژی حزب‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های احزاب و دستورالعمل‌های آن‌ها، برای انتخابات بدست آورند. به‌علاوه افزایش سرعت سایت‌ها و شبکه‌ها، این امیدواری را در آینده و دوران معاصر نسبت به تحکیم جایگاه این احزاب و مردم‌سالاری نوید می‌دهد.

۴-۳. ایجاد میل به مشارکت یا عدم مشارکت میان شهروندان

فضای نوین ارتباطی - اینترنتی در جهان حاضر از یک طرف، داده‌ها و افکار و عقاید شهروندان جامعه را تقویت می‌کند و از طرفی دیگر، باعث مشارکت آنان در حوزه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی می‌شود. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که نباید جهت عکس این ماجرا را نادیده گرفت؛ یعنی عدم مشارکت شهروندان و توسعه نیافتگی. به‌عنوان مثال؛ در انتخابات سال ۱۳۹۲ با توجه به رخداد‌های سال ۸۸، کمپین‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی در جهت شرکت نکردن در انتخابات به‌وجود آمد (مانند فیس‌بوک) یا حتی نمونه‌های دیگر این موارد را در انتخابات ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی و یا انتخابات ۱۴۰۰ نیز شاهد بودیم.

اگر بخواهیم این موضوع را به‌طور واضح‌تری در جمهوری اسلامی ایران بنگریم، متوجه این موضوع خواهیم شد که در زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، گسترش «فیس‌بوک»، «توییتر» و برخی شبکه‌های اجتماعی داخلی، فضای انتخابات را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، «وایبر» به‌عنوان یک شبکه اجتماعی جدید، مبتنی بر بستر تلفن همراه بود که تأثیری قابل توجه بر تبلیغات انتخاباتی گذاشت؛ اگرچه این تأثیر به‌طور حتم به اندازه تأثیر فیس‌بوک و توییتر بر انتخابات سال ۱۳۸۸ نبود، اما مهم‌ترین تحول در زمان انتخابات سال ۱۳۹۶ رخ داد: (گسترش بیش از پیش دو شبکه اجتماعی «تلگرام» و «اینستاگرام»، اثری انکارناپذیر بر فضای انتخابات کشور گذاشتند). در نتیجه همین تحولات بود که برخی تصور می‌کردند که کلاب هائوس می‌تواند تأثیری چشمگیر بر تبلیغات انتخاباتی سال ۱۴۰۰ بگذارد (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۰).

بنابراین به نظر می‌رسد که به‌طور روزافزون، شبکه‌های اجتماعی در حال گسترده‌تر شدن بوده و تأثیری اساسی بر مشارکت سیاسی دارند. با توجه به مباحث مطروحه، جای طرح این سوال

1. Political parties

2. Party website

وجود دارد که در آینده چه سناریوهایی در ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی محتمل خواهد بود؟

۵. تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر آینده مشارکت سیاسی

آینده شبکه‌های اجتماعی، نسبت به مسائل مشارکتی در امر سیاست، وابسته به تحقق و پیدایش جنبش‌های جدیدی است که در زمینه‌های مختلف امکان شکل‌گیری آن‌ها وجود دارد. به دیگر سخن، با این که تمرکز اصلی تحرکات اجتماعی گذشته بر گرفتن تصمیم به صورت متمرکز بود، اما جنبش‌های معاصر بیشتر به صورت شبکه‌وار و غیرسازمانی هستند. جنبش‌های جدید اجتماعی، تلاشی پیوسته و مداوم‌اند که به وسیله یک یا چند نهاد اجتماعی برای بدست آوردن اهداف مشترک تلاش می‌کنند. از جمله مهمترین خصوصیات این جنبش‌ها عبارت است از:

- الف) غیرابزاری بودن؛ به این معنا که جنبش‌های اجتماعی، امروزه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی کمتر مورد استفاده ابزاری از سوی دولت‌ها قرار می‌گیرند.
 - ب) جنبش‌های امروزی، بجای دولت بیشتر به سمت جامعه مدنی سوق می‌یابند.
 - ج) سازمان‌دهی این نوع از جنبش‌ها، به صورت‌های قابل‌انعطاف و باز است.
 - د) جنبش‌های اجتماعی امروز، به‌طور جدی وابسته به رسانه‌های ارتباط جمعی‌اند، و با همیارانشان، نیازهای خود را می‌گویند، انتقاداتشان را نمایان می‌سازند، و افکار خود را در جهت سوق دادن اندیشه مردم به سمت خود بیان می‌دارند. (نش، ۱۳۹۹: ۱۳۱)
- بنابراین نکته مهم در مورد آینده مشارکت‌ها، به همین جنبش‌ها بستگی دارد؛ چرا که آن‌ها به صورت مختلفی با رسانه در ارتباطند و به‌طور گسترده به تکنولوژی‌های نوین منوط هستند. به نظر می‌رسد، در سال‌های بعد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تأثیر اساسی در جهت پیش بردن هدف‌های این کنشگران جدید بازی خواهد نمود؛ به‌طوری که بایستی بیان نمود، شبکه‌های اجتماعی برای این جنبش‌ها عملکردهای متفاوتی دارند و احتمالاً در آینده بیشتر نیز خواهند شد.

این تحلیل آینده‌پژوهانه، مطمئناً نسبت به کارکردهای شبکه‌های اجتماعی می‌تواند دیدگاه مختلفی را رونمایی کند. نگارنده، این دیدگاه‌ها و مؤلفه‌ها را به‌صورت تحلیلی نشان خواهد داد و در نهایت نتیجه خواهد گرفت که اثرات مثبت و منفی هریک از آن‌ها در چه زمینه‌ای است.

۵-۱. دیدگاه تبلیغاتی و شناختی شبکه‌های مجازی در جهت مشارکت یا عدم آن

مهم‌ترین خصوصیت شبکه‌های اجتماعی، انتقال اطلاعات با سرعت بسیار بالا و ارائه گزارش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم‌زمان است. آنچه در آینده می‌تواند این خصوصیت را بیشتر نمایان سازد، عملکرد جنبش‌های اجتماعی است که فضای مجازی این شبکه‌ها در جهت رساندن اطلاعات و دادن آگاهی به شهروندان بسیار سریع، حول محور موضوع‌ها، مسائل و

مشکلات مشترک شهروندان مورد استفاده قرار خواهند گرفت. جهانی‌سازی این اطلاعات در آینده به همراه سرعت بالای انتشار آن، می‌تواند آسیب‌ها و همچنین فرصت‌هایی را برای هر دولت یا حکومتی در جهان فراهم نماید. بنابراین، این مؤلفه دارای دو بعد مثبت (افزایش قدرت یک کشور) و منفی (کاهش قدرت یک کشور) است.

۵-۲. دیدگاه هویت‌ساز

یکی از مهم‌ترین خصوصیات شبکه‌های اجتماعی در سراسر دنیا، ایجاد هویت توسط کاربران به صورت کاملاً سریع است. آینده این مسأله در گرو عملکرد دولت‌هاست. درواقع هویت‌سازی، تقدم بر سازمان دادن و جلوگیری از اعتراض‌ها دارد. شبکه‌های اجتماعی، قابلیت خیلی زیادی در جهت مهیا نمودن یک هویت جمعی دارند که با برقرار کردن ارتباط، تبادل اطلاعات و باورها در فضای مجازی، خواهند توانست یک جنبش اجتماعی را به وجود آورند که این عمل خود می‌تواند باعث آثار مثبت (توسعه‌یافتگی) و منفی (کودتا، انقلاب و ...) شود.

۵-۳. شکل‌گیری احزاب مجازی (آینده‌ای بدیل)

نتیجه و رصد برخی روندها و نهایت نظریه‌پردازی‌هایی که بحث آن‌ها خارج از مجال مقاله حاضر است؛ طرح امکان حضور احزاب مجازی در فضای شبکه‌های اجتماعی کشور خواهد بود. اصل مورد قبول در گفتمان سیاسی معاصر، آن است که وجود احزاب برای حرکت جامعه به سمت مردم‌سالاری^۱ و حتی بالاتر از آن، برای سیر تکامل نهاد اجتماع ضروری است و به تعبیری یک نیاز خواهد بود. از سوی دیگر در کشور، بسترها و ساختارهای مناسب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قانونی برای شکل‌گیری و تداوم احزاب وجود ندارد. همچنین انتخابات، فضای مناسبی برای افزایش نقش‌آفرینی شبکه‌های مجازی اجتماعی است و ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی در انتخابات می‌تواند موجب و بستر ظهور احزاب مجازی شود. ترکیب دو پایه یادشده (ضرورت وجود احزاب + بستر مناسب شبکه‌ای)، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را زمینه مناسبی برای ظهور احزاب مجازی در آینده خواهد ساخت (مولایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

۵-۴. دیدگاه برنامه‌ریزی برای اعتراض

یکی دیگر از عوامل که در آینده شبکه‌های اجتماعی نسبت به مشارکت بسیار مورد توجه است، دیدگاه برنامه‌ریزی برای اعتراض است که می‌تواند توسط شبکه‌های اجتماعی با سرعتی بسیار بالا پخش شده و شهروندان هر جامعه‌ای را از این مسأله آگاه سازد. درحقیقت جنبش‌های اجتماعی در آینده؛ مانند زمان حال خواهند توانست تا از راه‌های گوناگون، ظرفیت‌های تکنولوژی - ارتباطی و اطلاعاتی را در گستره بین‌المللی به اطلاع برسانند.

1. Democracy

به عنوان نمونه، در اعتراضات دو کشور تونس و مصر، طیف‌های مخالف دولت به کمک شبکه‌های اجتماعی مجازی به مشخص نمودن مسیرهای تجمع خود می‌پرداختند و از شهروندان درخواست داشتند تا در این مناطق حضور یابند و دست به اعتراض بزنند که مانند این اعمال، مطمئناً در سال‌های آینده بیشتر خود را نشان خواهد داد.

۵-۵. دیدگاه شبکه‌سازی و ائتلاف

از دیگر خصوصیت‌های اساسی و نیز وجه جدا ناپذیر تحرکات آینده یک جنبش، منطق شبکه‌سازی آن‌ها در بعد جهانی یا بین‌المللی است. شبکه‌سازی سبب می‌شود که بعدها، جنبش‌ها نسبت به حزب‌ها و گروه‌های دارای نفع، از توان اجتماعی زیاد بهره‌مند باشند. شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات رودررو، پیوستگی‌های میان سازمانی، عقاید و رفتارهای مشترکی هستند که برای تحقق انسجام در داخل جنبش و جذب فعالان و هواداران اهمیت دارند. این شبکه‌ها، باعث تقلیل سلسله‌مراتب سازمانی می‌شوند و آن‌ها را انعطاف‌پذیر می‌کنند و مسیر را برای افرادی که به فعالیت می‌پردازند مهیاتر نموده و اظهار افکار شهروندان در سطح بین‌الملل را گسترش می‌دهند که در نتیجه می‌تواند در هر سو، افکار حکومت‌ها را با آثار مثبت و منفی مواجه سازد.

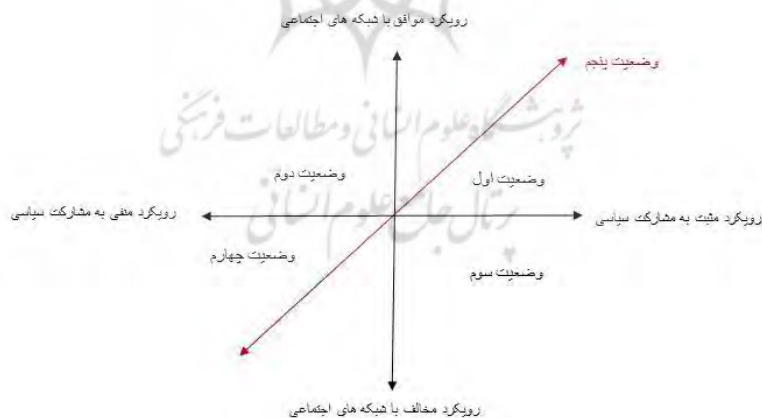
۶- سناریوپردازی درباره آینده مشارکت سیاسی تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی

فرهنگ لغت، سناریو را «طرح کلی وضعیت طبیعی حوادث و یا طرح کلی وضعیت حوادث مورد انتظار» می‌داند (Fahey, 1998:6)، اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم، می‌توان گفت که سناریو داستانی، توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد (Ringland, 1998:13).

به اعتقاد پیتر شوارتز، سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخصی نسبت به محیط‌های بدیل آینده هستند که تصمیم‌های آن شخص ممکن است در هرکدام از آن‌ها به وقوع بپیوندد. به عبارت دیگر، سناریوها دسته‌ای از روش‌های سازمان‌یافته جهت تصور و تخیل مؤثر درباره آینده و وسیله‌ای برای کمک به یادگیری افراد هستند. هدف سناریوها، گردآوری و تبدیل اطلاعات راهبردی مهم به ادراک جدید و نو است (شوارتز، ۱۳۸۶:۲۲۵).

در روش شوارتز، گام‌های مختلفی برای طراحی سناریو پیش‌بینی شده است که هدف اصلی و نهایی را ارائه سناریوهای بدیل درباره موضوع مورد تحقیق قرار داده است. نخستین گام در این روش، شناسایی موضوع یا مسأله اصلی تحقیق یعنی شبکه‌های اجتماعی است. شناسایی عوامل، عناصر کلیدی و همچنین پیشران‌ها، گام‌های بعدی است. در مرحله بعد، عوامل و پیشران‌های اصلی به عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی یا بحرانی شناسایی می‌شوند که در نهایت بعد از انتخاب منطق سناریوها، سناریوهای بدیل طراحی می‌شوند (همان: ۲۱۳-۲۲۷).

استفاده از روش سناریوپردازی، به‌عنوان یکی از روش‌های مرسوم در آینده‌پژوهی و بهره‌مندی از برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو تا حدی می‌تواند خطاهای ناشی از تصمیم‌گیری را مخصوصاً برای مسائل و موضوعات مهم و اساسی (مانند بحث شبکه‌های اجتماعی و اثرات آن بر مشارکت سیاسی) کاهش دهد. با توجه به این که موضوعات تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از مسائلی هستند که هرچقدر برای امور پراهمیت‌تر به کار برده شوند، حساسیت و دقت در آن‌ها بیشتر نمود خواهد داشت. استفاده از ابزارهای تخمین و ترسیم وضعیت آینده مانند روش سناریوپردازی، کمک شایان‌ذکری به اصلاح و تقویت تصمیم‌های اتخاذ شده کرده و در برخی موارد، امکان آزمایش تصمیم‌ها و سناریوهای آینده را قبل از وقوع فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد رفته‌رفته آینده‌پژوهی به‌عنوان ابزار مناسب و قابل اطمینانی می‌تواند در کنار برنامه‌ریزان و طراحان قرار گرفته و از ظرفیت آن برای توسعه و تعمیق تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های آتی استفاده نمایند. به اعتقاد پیتر شوارتز، سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخصی نسبت به محیط‌های بدیل آینده هستند. با این تعریف، در این تحقیق دو عدم قطعیت کلیدی متصور است. عدم قطعیت اول: رویکرد حاکمان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عدم قطعیت دوم: میل و رویکرد حاکمان نسبت به مشارکت سیاسی است. بنابراین با توجه به دو رویکرد عدم قطعیت یادشده، پنج حالت و سناریو قابل ترسیم است. البته حالت پنجم، حد وسط هریک از عدم قطعیت‌هاست؛ مانند نگاه فرصت و تهدید به مشارکت سیاسی و شبکه‌های اجتماعی که در نتیجه مشارکت سیاسی و فعالیت کنترل شده را به‌وجود می‌آورد. بر اساس این دو عدم قطعیت، حالت‌ها و وضعیت محتمل را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد.



با توجه به وضعیت‌های محتمل، سناریوهای قابل پیش‌بینی را می‌توان به شرح ذیل معرفی کرد.

سناریوی اول، نگاه مثبت حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارک سیاسی

در این سناریو، حاکمان مشارکت مردم را در امور کشور نماد توسعه سیاسی و عامل مشروعیت‌بخشی به حاکمیت و اقتدار سیاسی کشور در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی می‌دانند و معتقدند؛ هرچه مشارکت سیاسی مردم بیشتر باشد، اعتماد عمومی به حاکمیت و قدرت تصمیم‌گیری دولتمردان در مواجهه با مسائل داخلی و خارجی بیشتر خواهد بود. در این دیدگاه، مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی از شاخصه‌های توسعه سیاسی است و مشارکت سیاسی، موجب افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی خواهد شد (بشیری، ۱۳۹۸: ۱۱).

در این دیدگاه، دولتمردان فضای سیاسی را برای فعالیت گروه‌ها و نخبگان باز می‌کنند و مردم را به حضور در انتخابات تشویق و موانع را برطرف می‌کنند تا زمینه شرکت سلاقی و دیدگاه‌های مختلف در عرصه سیاسی فراهم گردد.

حاکمان سیاسی در این دیدگاه، شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان یک فرصت در ایجاد همگرایی و افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه مشارکت سیاسی می‌دانند؛ لذا تلاش می‌کنند، زیرساخت‌ها و بستر لازم را برای ایجاد و گسترش شبکه‌های اجتماعی و ترویج آن به‌عمل آورند و با حمایت قانونی از فعالیت این شبکه‌ها و رفع تنگناها و محدودیت‌ها، زمینه گسترش مشارکت سیاسی مردم را فراهم کنند. به‌نظر می‌رسد این وضعیت، در بین سناریوهای قابل پیش‌بینی بهترین حالت باشد که در صورت تحقق، موجب گسترش فعالیت شبکه‌های اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی در جامعه خواهد شد.

سناریوی دوم، نگاه منفی حاکمان به مشارکت سیاسی و موافقت با فعالیت شبکه‌های اجتماعی

در این نگاه، حاکمان جایگاهی برای نظرات مردم و مشارکت سیاسی قائل نیستند. حکومت، به‌مثابه تنها نهاد اشتغال‌زا و سرمایه‌گذار، بر کلیه شئون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی سیطره دارد و تمام قوای جامعه را در راه هدف‌های نظام حاکم تجهیز می‌کند. اجازه تشکیل هیچ حزب و فعالیت جریان سیاسی را نمی‌دهد. از ابزارهای قانونی برای محدود کردن مشارکت سیاسی استفاده می‌کند و تصمیمات کشور پشت درهای بسته، توسط عده‌ای محدود اتخاذ می‌شود و هیچ صدای مخالفی تحمل نمی‌شود.

در این نگاه، حاکمان برای مشروعیت‌بخشی به حکومت، از فعالیت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی حمایت می‌کنند. ساز و کارهای لازم را برای توسعه شبکه‌های اجتماعی فراهم می‌کنند و از بستر شبکه‌های اجتماعی، به لایه‌های اجماع نفوذ کرده و به سوابق، ارتباطات، دوستان و مرتبطین شهروندان در شبکه‌های اجتماعی دسترسی یافته و از آن برای تحکیم پایه‌های قدرت نظام بهره‌برداری می‌کنند. در این نظام، شبکه‌های اجتماعی در خدمت سیاست و حاکمان کشور

قرار دارد و از آن در بسیج افکار عمومی برای مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و ایجاد انسجام و وحدت ملی استفاده می‌شود.

سناریوی سوم؛ نگاه مثبت حاکمان به مشارکت سیاسی و مخالفت با شبکه‌های اجتماعی است.

این دیدگاه، بر مشارکت سیاسی به عنوان نماد توسعه سیاسی و همسویی با سیاست‌های جهان بین‌الملل تأکید دارد و با تدوین برنامه‌های حمایتی و پشتیبانی قانونی، زمینه حضور مردم به‌ویژه نخبگان را در عرصه سیاسی و دستیابی به قدرت فراهم می‌کند. در این دیدگاه، دموکراسی ابزار مهمی برای تحقق اهداف و آرمان‌های جامعه محسوب می‌شود و مشارکت سیاسی مردم می‌تواند زمینه‌ساز انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، اقتدار هرچه بیشتر حاکمیت و مقابله با تهدیدات خارجی شود. بنابراین، سیاست‌مداران تلاش می‌کنند، با ایجاد ساز و کارهای لازم؛ مانند تشکیل و تقویت احزاب، حمایت از فعالان سیاسی، ترغیب نخبگان به شرکت در فعالیتهای سیاسی اجتماعی و رفع موانع سیاسی، زمینه مشارکت سیاسی و حضور مردم در انتخابات را فراهم کنند.

البته در این نگاه، حاکمان با آگاهی از نقش شبکه‌های اجتماعی در بسیج افکار عمومی و نفوذ در لایه‌های اجتماع، مانع از بهره‌گیری جامعه از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در عرصه سیاسی می‌شوند، زیرا فعالیت شبکه‌های اجتماعی را مخل امنیت انتخابات و موجب آسیب رساندن به فرایند دموکراسی می‌دانند. از این رو، با وضع قوانین محدود کننده و ایجاد مانع در مسیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به این دسته از رسانه‌ها را محدود و در مواردی ناممکن می‌کنند.

نگاه منفی حاکمان به مشارکت سیاسی و شبکه‌های اجتماعی

در این دیدگاه، حاکمان اهمیتی برای میزان مشارکت مردم در امور سیاسی قائل نیستند و چه‌بسا افزایش حضور مردم در صحنه‌های سیاسی و انتخابات را به ضرر منافع خود ارزیابی و آن را عامل محدود شدن حاکمیت، کاهش اقتدار سیاسی و از دست رفتن قدرت خویش قلمداد می‌کنند. در این نگاه، حاکمان با بکارگیری ابزارهای گوناگون، و وضع قوانین سخت‌گیرانه از حضور سلايق و دیدگاه‌های مختلف، در عرصه انتخابات جلوگیری کرده و با محدود کردن کاندیداها و رقاباتی که شانس بیشتری در پیروزی دارند، بستر تداوم و تحکیم قدرت خویش را فراهم می‌کنند.

حذف و محدود کردن رسانه‌ها به‌ویژه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، از جمله اقدامات این دسته از حاکمان برای کاهش مشارکت سیاسی است. به اعتقاد این عده، فعالیت شبکه‌های اجتماعی، انحصار اطلاع‌رسانی را از آنان سلب کرده و کنترل حاکمان بر جامعه را کاهش می‌دهد. آنان بر این باورند، شبکه‌های اجتماعی از این ظرفیت برخوردارند که با موضع‌گیری سیاسی و

ایجاد روح مبارزه منفی در مردم، حاکمان را وادار به در نظر گرفتن حقوق مردم و یا بخشی از جامعه کنند. کاری که معمولاً در شرایط غیرعادی و بحرانی در دستور کار قرار می‌گیرد. در این خصوص، تاکنون رأی‌گیری‌های شبکه‌ای و اعلام نظر درباره یک موضوع بین‌المللی، بسیاری از حاکمان کشورها را وادار به تغییر موضع کرده است؛ لذا دولتمردان با ابزارهای قانونی و ایجاد محدودیت، مانع از فعالیت شبکه‌های اجتماعی شده و از پیوند این شبکه‌ها با مشارکت سیاسی جلوگیری می‌کنند.

نگاه حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی به عنوان یک فرصت و تهدید

در نگاه این عده از حاکمان، فعالیت شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، به عنوان جهانی نو و موازی با جهان واقعی، یک فرصت برای ترویج اندیشه‌ها و برنامه‌های دولتمردان و ترغیب افراد جامعه، به حضور در عرصه‌های مختلف به‌ویژه مشارکت سیاسی است. بنابراین تقویت شبکه‌های اجتماعی، حمایت قانونی از فعالان عرصه فضای مجازی، تسهیل در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و کاهش هزینه‌های کاربران، از جمله اقدامات دولتمردان است؛ ضمن این که برای جلوگیری از سوء استفاده مخالفان و دشمنان کشور از شبکه‌های اجتماعی، از ابزارهای قانونی برای کنترل فضای مجازی استفاده می‌کنند و در مواقع لازم، دسترسی به این شبکه‌ها را برای کاربران محدود و حتی ناممکن می‌سازند تا از آسیب‌ها و نقاط ضعف آن جلوگیری کنند.

از نظر این دسته از حاکمان، مشارکت سیاسی نیز به عنوان عامل تحکیم بخش پایه‌های قدرت و مشروعیت بخشی به نظام حاکم، یک فرصت است که باید مورد توجه قرار گیرد. در این سناریو، حاکمان بستر لازم را برای مشارکت سیاسی مردم و نقش‌آفرینی آنان در انتقال قدرت فراهم می‌کنند. فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مورد حمایت قرار می‌گیرد، مردم برای مشارکت سیاسی تشویق می‌شوند. در عین حال، حاکمیت با کنترل فعالیت‌های سیاسی احزاب و گروه‌ها، از فعالیت‌های فراقانونی و خارج از فرایند تعریف شده جلوگیری می‌کند تا مشارکت در مسیر تعیین شده انجام پذیرد.

در این دیدگاه، حاکمان نسبت به مشارکت سیاسی و فعالیت شبکه‌های اجتماعی نگاه بینابینی دارند؛ به طوری که در عین حمایت از شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی، روند فعالیت آن‌ها را نظارت و کنترل می‌کنند.

ارزیابی تحقق هریک از سناریوها

با ارزیابی سناریوهای مطرح شده و تشریح حالات هریک از آن‌ها، به نظر می‌رسد، تحقق وضعیت اول؛ یعنی نگاه مثبت حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی، مطلوب‌ترین حالت خواهد بود. در این حالت، با حمایت از فعالیت شبکه‌های اجتماعی، شاهد گسترش مشارکت سیاسی و تقویت هم‌گرایی در جامعه خواهیم بود. در صورت عدم تحقق این حالت،

وضعیت پنجم، بیشترین مزیت را خواهد داشت. در این حالت، مشارکت سیاسی و شبکه‌های اجتماعی، هر دو تحت حمایت و تأیید حاکمان قرار دارند. اگرچه این حمایت صددرصدی نیست؛ اما نسبت به وضعیت‌های دیگر، فواید بیشتری را عاید جامعه، فعالان سیاسی و رسانه‌های جدید خواهد کرد. بدترین حالت هم وضعیت چهارم است که در آن حاکمان با مشارکت سیاسی و شبکه‌های اجتماعی میانه‌ای ندارند و فضای بسته سیاسی و رسانه‌ای در جامعه حاکم است. لذا برای جلوگیری از وقوع نامطلوب‌ترین حالت، لازم است احزاب و گروه‌های سیاسی، نخبگان و فعالان شبکه‌های اجتماعی، به گونه‌ای تلاش کنند تا زمینه تحقق بهترین وضعیت فراهم شود و اگر تحقق آن میسر نبود، لااقل وضعیت بعدی که نگاه بینابینی حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی است، محقق شود.

اکنون با توجه به ارزیابی سناریوهای مطرح شده، وقوع محتمل‌ترین وضعیت‌ها، به ترتیب به شرح ذیل بیان می‌شود.

امروزه با توجه به شرایط جهانی و افزایش روزافزون گرایش عمومی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گسترش فعالیت این شبکه‌ها، از بخش‌های آموزشی به فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر، موج دموکراسی‌خواهی در جهان، احتمال تحقق وضعیت اول؛ یعنی نگاه مثبت حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی بیشتر است و روز به روز شاهد نفوذ شبکه‌های اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه هستیم و برخورد حکومت‌ها با فعالیت این شبکه‌ها هم نتوانسته جلوی عطش جامعه به استفاده از فضای مجازی و گسترش مشارکت سیاسی را بگیرد. پس از این مرحله، سناریوی پنجم؛ یعنی نگاه بینابینی دولت‌مردان به فعالیت شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی، احتمال بیشتری در جهت تحقق دارد. در این نگاه، حاکمیت با وجود حمایت از فعالیت شبکه‌های اجتماعی و تأکید بر مشارکت مردم در امور سیاسی، اما بر کنترل شبکه‌های اجتماعی در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز تأکید دارد. نمونه عینی این کنترل، در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا بود که حتی دسترسی رئیس جمهور مستقر (ترامپ) به شبکه‌های اجتماعی محدود شد، اما سومین وضعیت محتمل برای وقوع، سناریوی دوم؛ یعنی رویکرد مثبت سیاستمداران به شبکه‌های اجتماعی و مخالفت با مشارکت سیاسی است. در این رویکرد، با توجه به گسترش مداوم استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جامعه و پیوند عمیق این شبکه‌ها با زندگی مردم، حاکمیت چاره‌ای جز همراهی با موج توسعه فضای مجازی ندارد. اگرچه تلاش می‌کند، از پیوند این شبکه‌ها با مشارکت سیاسی جلوگیری کند.

رویکرد مثبت حاکمان، به مشارکت سیاسی و مخالفت با شبکه‌های اجتماعی چهارمین سناریوی محتمل برای وقوع است. در این وضعیت، با توجه به گسترش احزاب و فعالیت‌های سیاسی و علاقمندی جامعه به مشارکت در امور مختلف بویژه انتخابات، حکومت‌ها سعی دارند خود را در عرصه ملی و بین‌المللی همراه با موج دموکراسی نشان دهند و بر مشروعیت سیاسی

خویش بیفزایند، اما در این وضعیت به شبکه‌های اجتماعی اجازه فعالیت داده نمی‌شود و از ایجاد بستر و گسترش فضای مجازی جلوگیری می‌شود و از آنجایی که این مخالفت، با روند جامعه همخوانی ندارد، احتمال وقوع این سناریو را کمتر می‌کند. آخرین وضعیت که کمترین احتمال وقوع را دارد، سناریوی چهارم؛ یعنی مخالفت حاکمان با مشارکت سیاسی و شبکه‌های اجتماعی است که با توجه به فرایند گسترش روزافزون فضای مجازی و مشارکت سیاسی در جهان، امکان تحقق این سناریو از کمترین شانس و احتمال برخوردار است و اقبال عمومی به این سناریو در سطح جهان به شدت پایین است و تحقق این حالت در جامعه‌ای که با جهان خارج ارتباط داشته باشد، تقریباً ناممکن است. در جهان امروز، می‌توان از حکومت کره شمالی به عنوان نماد حاکمیت این نگاه نام برد.

۷- نتیجه‌گیری

فرآیند تمامی مباحث صورت گرفته در این مقاله، نشان از آن دارد که فن‌آوری ارتباطات، روزانه در حال تغییر و دگرگونی بوده و این تغییرات در زندگی بشر کاملاً محسوس است. نگاه آینده‌پژوهانه به مسأله شبکه‌های اجتماعی نسبت به مشارکت سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ همان‌طور که زمانی فیس‌بوک تأثیر مهمی بر مشارکت سیاسی داشت، بعدها جای خود را به وایبر، اینستاگرام، توئیتر و حتی کلاب‌هاوس و ... داده است و این امر نشان دهنده این مطلب است که مشارکت سیاسی - اجتماعی در آینده با فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی روبرو خواهد شد. از این رو، مطالعه تأثیر ابزارهای نوین ارتباطات اجتماعی؛ از جمله شبکه‌های اجتماعی بر سیاست در کشورهای مختلف و نیز در کشور ما، ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است.

فضای سیاسی ایران، به‌ویژه فضای انتخابات همواره یکی از مهم‌ترین فضاهای عدم قطعیت در کشور بوده است. اصل اساسی و استراتژی غالب در میان کاندیداها، نفوذ بر صاحبان رأی بوده و شبکه‌های اجتماعی، بستر نفوذ نرم و نامحسوسی را در میان واجدان شرایط رأی فراهم ساخته است. نگارنده در این مقاله، تأثیر شبکه‌های مذکور بر رفتار اجتماعی را در پنج عرصه؛ شامل عرصه تبلیغاتی و شناختی، هویت‌سازی، شکل‌گیری احزاب مجازی، برنامه‌ریزی برای اعتراض، شبکه‌سازی و ائتلاف مورد بررسی قرار داد و با آینده‌پژوهی‌ای که نسبت به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی تصور نمود، این مطلب را روشن ساخت که هرکدام از عرصه‌های یاد شده می‌تواند هم فرصت و هم تهدید به حساب آید.

همچنین پس از بررسی عوامل و پیرامان‌های تأثیرگذار در آینده شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی دو عدم قطعیت اصلی - به مثابه عوامل تعیین‌کننده و با قطعیت کم - در خصوص آینده شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی شناسایی شد که عبارت است از: افزایش یا کاهش نفوذ شبکه‌های اجتماعی و افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی که پنج سناریو بر اساس این عدم قطعیت‌ها متصور است:

- سناریوی اول، نگاه مثبت حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی
 - نگرش مثبت حاکمان به فعالیت شبکه‌های اجتماعی و نگاه منفی به مشارکت سیاسی
 - نگاه مثبت حاکمان به مشارکت سیاسی و مخالفت با شبکه‌های اجتماعی
 - نگاه منفی حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی
 - نگاه حاکمان به شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی به عنوان فرصت و تهدید
- بنابراین، در صورتی که حاکمان نگاه مثبتی به فعالیت شبکه‌های اجتماعی داشته باشند، فعالیت این شبکه‌ها گسترش یافته و باعث افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی و انتخابات خواهد شد؛ در صورتی که نگاه منفی نسبت به فعالیت این شبکه‌ها از سوی مدیران جامعه حاکم گردد، با جلوگیری از فعالیت و گسترش این شبکه‌ها، شاهد افول مشارکت سیاسی در آینده خواهیم بود.

کتابنامه

- ابراهیمی‌پور، حوا و همکاران (۱۳۹۶). «سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران». نشریه جامعه‌شناسی کاربردی. (۱) ۲۸: ۱۹-۳۲.
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۸). «تأثیر انواع سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی بر انواع مشارکت سیاسی مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای سنج». نشریه جامعه‌شناسی کاربردی. (۳) ۳۰: ۱-۲۲.
- اسدی، علی اکبر و همکاران. (۱۳۹۸). «پیشران‌ها و سناریوهای پیش‌رو نظام سیاسی». نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام. (۲) ۸: ۱۲۵-۱۴۶.
- اشتریان، کیومرث و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)». فصلنامه سیاست، (۴) ۴۵: ۸۲۵-۸۴۱.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۸). «موانع توسعه سیاسی در ایران». تهران: گام نو.
- تافلر، آلون. (۱۳۸۵). تغییر ماهیت قدرت. ترجمه حسن نورایی بیدخت و شاهرخ بهار. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۰). «ورود یک شبکه اجتماعی جدید چه تأثیری بر انتخابات پیش رو دارد؟». کد خبر: ۸۴۲۸۴۰۶۷. ۱۴۰۰/۱/۱۶.
- خبرگزاری اقتصاد نیوز (۱۴۰۰). «جدیدترین نظرسنجی در مورد انتخابات». کد خبر ۴۱۲۰۰۱. ۱۴۰۰/۰۲/۲۳.
- خبرگزاری برنا (۱۳۹۷). «تأثیر فضای مجازی بر آینده کشور». کد خبر: ۷۱۹۸۳۶. ۱۳۹۷/۰۳/۲۳.

- خبرگزاری آنلاین (۱۴۰۰). روند استفاده مردم ایران از رسانه‌های اجتماعی. کد خبر: ۱۵۳۹۵۲۱. ۱۴۰۰/۰۵/۰۶.
- ریتزر. جورج و همکاران. (۱۳۹۳). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده. تهران: جامعه‌شناسان.
- سردارنیا. خلیل الله. (۱۳۸۸). «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها: بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی». نشریه پژوهش‌های ارتباطی، (۴) ۱۶: ۱۵۱-۱۷۶.
- سردارنیا. خلیل الله. (۱۳۸۶). «آثار سیاسی فن‌آوری‌های تازه ارتباطی - اطلاعاتی». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، (۵) ۲۲: ۱۰۴-۱۱۹.
- شوارتز، پیتز. (۱۳۸۶). «هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت»، ترجمه عزیز علیزاده و عبدالمجید کرامت‌زاده. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ولایی. محمدمهدی و همکاران. (۱۳۹۴). «آینده‌پژوهی انتخابات ایران و تحولات قدرت در جامعه شبکه‌ای/دستاوردهای دیده‌بانی شبکه‌های اجتماعی مجازی». چشم‌انداز مدیریت دولتی. (۱) ۶: ۱۲۱-۱۳۲.
- نش. کیت. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.

References

- Ahmadi, Y. (2019) effect of different social investment over the different social and political cooperation" a case study of Sanandaj adult citizen" Journal of Sociology.30(3):1-22 (in Persian)
- Asadi, A. and et al, (2019) " overlooking scenario of politic system" Journal of political issues in the Islamic world.2(8):125-146(in persian)
- Ashtariyan, K. et al. (2015). " Considering the effect of virtual networking system on the political cooperation's« a case study of Tehran cityL».politics quarterly45(4):825-841(in persian)
- Bashiriyeh, H. (2019). Obstacles of political progress in iran. Tehran: game no (in Persian)
- Borna, press. The influence of virtual communication on the country
- Ebrahimipour, H. et al (2017), Assessing the effect of social network on the political participation a case study on Mazandran university students. (1)28:19-32. (in Persian)
- Economic news agency, (2021) «the newly opinion poll of election» news title412001.2021 (in Persian)
- Fahey, Liam. (1998). *Learning form the Future; Competitive Foresight Scenarios*. New York: John Wiley and Sons.
- Hampton, K. N. (2011). Comparing Bonding and Bridging Ties for Democratic Engagement. *Journal Information, Communication & Society*. (14)3, 510-528.

- Iran press, 2020, " the effect of new developed social network system on the election outputs" news title :84284067.2021/4/5(in Persian)
- Luskin, R. C. (1990). Explaining Political Sophistication. *Journal Political Behavior*. 12(4), 331-361.
- Nash. G. 2021, the study of political contemporary. Translated by mohammad Taghi delforooz. Tehran:kavir. (in Persian)
- Nixon, Pual. (1999).*Transparency Through Technology*. in Barry Hauge (eds). Digital Democracy. London: Routhledge.
- Online press agency(2021), the ordinary usage of Iranian people of outlook news title:719836.2018/6/13(in Persian)
- Putnam, R, D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American*. Community. NewYork: Simon & Schuster
- Ringland, Gill. (1998). *Scenario Planning: Managing the Future*. New York: John Wiley and Sons.
- Riterz, J.et al.(2014) " the theories of modern soiciology. Translated by Khalil,M and abbas,l. Tehran:sociologg (in Persian)
- Sardarniya, K. " internet as a social movements and protest,a case study of theoretical and multidimentioanl prespectives.journal of communication researches16(4):151-176. (in Persian)
- Sardarniya, K.(2007)" new works of IT" Journal of politics and econoy.22(5):104-119.(in Persian)
- Schwartz, Peter.(1999). *The Art of the Long View: Planning for the Future in the Uncertain World*. New York: John Wiley and Sons.
- Shortz. P. 2009. ' art of extroversion; planning the future in unstaible world" Translated byAziz alizadeh and abdolmagid keramatzadeh. Tehran:Education and research institute of depense industrg. (in Persian)
- social network news title:1539521.2021/7/28 (in Persian)
- Tafler, A.(2006). Identity power Changes" Translated byhassan nouraie bidokht andshahrokh bahar.tehran:Translation and publication book center(in Persian)
- Vali, M.et al.(2015) " Futurology of Iranian election and power turn about in the virtual networking " governmental management's vision.1(6):121-132. (in persian)
- Ward, S. & Vedel, T. (2006). Introduction: The Potential of the Internet Revisited, *Journal Parliamentary Affairs*. 59(2), 210-225.
- Ward, S. & Vedel, T. (2006). Introduction: The Potential of the Internet Revisited, *Journal Parliamentary Affairs*. 59(2),210-225